



بعد از شهادتش فهمیدم از دوستان حاج قاسم بود گفت وگو با همسر شهید علیرضا توسلی از فرماندهان تیپ فاطمیون و دوستان شهید قاسم سلیمانی



شهربانو

۲۳ شنبه
۱۲ دی ۱۴۰۱
۹۹ جمادی الثانیه ۱۴۴۴
شماره ۳۸۵۰

(۷)

علیرضا توسلی (ابوحامد) یکی از شجاع‌ترین فرماندهان میدان نبرد سوریه در سال‌های گذشته بود که رزمندگان افغانستانی را سازمان‌دهی کرد. خاطرات رشادت‌های او هرگز از یاد نخواهد رفت. همسر این شهید بزرگوار درباره چگونگی آشنایی‌شان می‌گوید: سال ۱۳۷۹ بود که همسایه‌مان علیرضا را به مادرم معرفی کرد و عکسی از ایشان به من نشان داد. عکس را که دیدم، آرامشی خاص در من به وجود آمد که هرگز از یاد نمی‌برم. آن زمان ایشان در افغانستان در حال نظم‌بخشی به اوضاع بود. وقتی به ایران آمد، با هم درباره ازدواج صحبت کردیم. همه ملاک‌های مورد نظر خودم درباره انتخاب همسر را در او دیدم. خیلی صادق بود. مراسم عروسی را هم یک ماه بعد از عقد برگزار کردیم. زندگی ما از ۲۶ اسفند ۷۹، هم‌زمان با عید غدیرخم، در کمال سادگی آغاز شد. از همان ابتدا به کم قانع بودیم.

ابوحامد در اولین حضورش در سوریه هفت ماه به مرخصی نیامد. البته به مدیریت خانم حسینی و نگهداری از دو فرزندش اطمینان کامل داشت: اولین بار بعد از هفت ماه به ایران بازگشت. مشغله‌هایش در جبهه مقاومت اسلامی مجال مرخصی نمی‌داد. در مدتی که ایران بود، به علت شرایط کاری، سه چهار بار بیشتر خانه نیامد. ما هم درک می‌کردیم. همیشه می‌گفتم: شما فقط برای من و بچه‌ها نیستی. شما متعلق به یک ملتی که بعد از خدا امیدشان به شماست. راضی نبودیم به فکر ما باشد و در کارش خللی ایجاد شود. زمانی هم که منزل می‌آمد، از تماس‌ها متوجه مشکلاتش می‌شدم. باید زخمی‌ها و شهدا را تأیید می‌کرد. همیشه ما را به خواندن سوره «عصر» سفارش می‌کرد. وقتی از مسئولیتش در سوریه سؤال می‌کردم، می‌گفت خدمتگزار دوستان مدافع حرم است. نام سردار سلیمانی را هرگز از زبان ایشان نشنیدم. بعد از شهادت همسر از میان عکس‌هایی که بعدها منتشر شد متوجه شدم ایشان رفاقتی هم با حاج قاسم داشته است.

خانم حسینی ۲ ساعت قبل از شهادت همسرش، با او تلفنی صحبت می‌کند و این آخرین وداع آن‌ها می‌شود. از اینکه شهید جاننش را در راه حضرت زینب (س) در تیپ فاطمیون فدا کرده است راضی است. به علاوه، از اینکه حاج قاسم از ابوحامد به نیکی یاد کرده است خرسند است. می‌گوید: در بزرگی لشکر فاطمیون همین بس که یک بار که چند گردان با هم در عملیات شرکت کرده و همه جز گردان فاطمیون شکست خورده بودند، از حاج قاسم می‌پرسند نبرد را ادامه دهند یا عقب‌نشینی کنند. حاج قاسم می‌پرسد: آقای توسلی در عملیات هست؟ می‌گویند: بله، به عنوان فرمانده گردان فاطمیون عمل می‌کند. حاج قاسم پاسخ می‌دهد: پس ادامه بدهید که ان شاء الله... پیروزید.



نامه‌ای که محتوای آن به یادگار ماند

معصومه آباد در کتاب «من زنده‌ام» توانست مخاطبان زیادی را پای خاطرات اسارت خود بنشاند. سردار سلیمانی پس از خواندن کتاب، نامه‌ای برای نویسنده آن نوشته است. نامه‌ای که پاسخ خانم آباد را به همراه داشت. «خواهرم، مثل همان برادرهای اسیرت همه جا با تعصب مراقبت می‌کردم کسی عکس روی جلد کتابت را نبیند و در تمام کتاب، با ناراحتی و استرس، به دنبال این بودم که آیا کسی به شما جسارت کرد. آخر مجبور شدم روی عکست را با کاغذ بچسبانم تا نامحرمی او را نبیند. برادرت، بغداد، سلیمانی.»



«یاعلی» گفتی و جهانی را به تماشای عشق آوردی

سجده



حضور شعر در زندگی شاعران، حضور مداوم آفتاب در شاخ و برگ درختان است و فراوانی نعمت کلمه در چهار فصل دشوار و سهل زیستن. به مدد همین کلمات است که نوشتن از رشادت‌ها، بزرگی‌ها و توصیف اندیشه‌های روشن و عواطف عمیق انسانی اتفاق می‌افتد. زهرا محدثی خراسانی از نسل شاعران متعهد شعر آیینی کشور و از غزل‌سرایان توانمند مشهده‌ای است که رباعی‌ها، مثنوی‌ها هم چنین شعرهای نیمایی بسیاری نیز در مناسبت‌های مختلف فرهنگی، مذهبی و اجتماعی سروده است. محدثی متولد اسفندماه ۱۳۵۳ است. اصالتاً اهل باخرز است و بزرگ‌شده مشهده. پدرش علاقه‌مند به شعر و ادبیات و صاحب قلم بوده است. برای همین، شاعر شدن سه فرزند از یک خانواده اتفاقی چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. در چنین فضایی، زهرا محدثی از نوجوانی با شعر انس می‌گیرد و زندگی‌اش با نوشتن و سرودن گره می‌خورد. در سال ۱۳۸۴ مجموعه غزلی را از آثار شاعران خوب خراسانی با نام «شهود شرقی» گردآوری کرد و در نشر سوره مهر را به چاپ رساند. یک سال بعد، مجموعه غزلی خواندنی از خودش با عنوان «از شب سرد زمین» منتشر کرد. از این شاعر پرتلاش که دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی است پژوهشی با عنوان «شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن» در کتابی با همین نام منتشر شد که توانست برگزیده ششمین جشنواره شعر فجر و دومین جشنواره شعر انقلاب اسلامی شود.

مجموعه شعر «غم چیز دیگری است»، «خاطرات آسمان» و «پلاک پرند» با موضوع شعر دفاع مقدس برای نوجوانان از دیگر آثار زهرا محدثی خراسانی هستند.

این شاعر دغدغه‌مند فرهنگ و ادبیات همشهری‌مان تاکنون کارشناس شعر حوزه هنری خراسان، دفتر تبلیغات اسلامی و آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی بوده است و هم‌اکنون مربی فرهنگی مرکز شماره ۵ کانون پرورش فکری مشهد است. در پایان، با هم شعری از او را می‌خوانیم که به سردار شهید حاج قاسم سلیمانی تقدیم شده است.

هم چنان قاف حرف اول قدس هم چنان داغ مسجدالاقصی است
هم چنان سنگ شوق پرواز و هم چنان قطره راهی دریاست



جانمازی که سجده گاه تو بود پرچم فتح سرفراز شد
پرچمت تا همیشه ایام روی گلدسته اذان برپاست



ای شکوه شکفته تاریخ، مژده صادق خدا به زمین
قاسم نور در شب ظلمت، ارمانت سپیده فرداست



ای نوید، ای بشارت صادق، مژده دادی که صبح نزدیک است
پیش بهت جهانیان اکنون علم صبح صادق پیداست



یاعلی گفتی و جهانی را به تماشای عشق آوردی
هرچه گفتی تلاوت این ذکر هرچه کردی عنایت مولاست



بی سبب نیست سرزمین عراق گشت میقات پر گشودن تو
خط سرخی که رهگذارت شد امتداد شکوه عاشورا است